

به نام خدا

مبانی برنامه ریزی درسی

نویسندگان:

فرزانه صفائی مهرآبادی

سهیلا عزیزخانی

معصومه نادرزاده مهربان

محمد پورحضراتی

www.ketab.ir



- عنوان و نام پدیدآور : مبنای برنامه‌ریزی درسی/نویسندگان فرزانه صفائی‌مهرآبادی... [و دیگران].
مشخصات نشر : تهران : آرمان‌گرایان، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۱۶۸ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۸۸-۵۱-۸؛ ریزال: ۱۸۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : نویسندگان فرزانه صفائی‌مهرآبادی، سهیلا عزیزخانی، معصومه نادرزاده‌مهربان، محمد پورحسرتی.
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۶۸.
موضوع : برنامه‌ریزی درسی -- ایران
Lesson planning -- Iran
برنامه‌ریزی درسی
Lesson planning
شناسه افزوده : صفائی‌مهرآبادی، فرزانه، ۱۳۶۵-
رده بندی کنگره : ۱۵/۲۸۰۶LB
رده بندی دیویی : ۰۰۱/۲۷۵
شماره کتابشناسی ملی : ۹۸۰۱۳۵۳
اطلاعات رکورد : فیا
کتابشناسی

میان انقلاب. روبروی سینما بهمن پلاک ۱۳۶۰ واحد ۱۵- ۹۱۲۳۲۷۴۷۱۵-۴۶۴۸۰۴۴۸-

عنوان: مبنای برنامه‌ریزی درسی

نویسندگان: فرزانه صفائی‌مهرآبادی، سهیلا عزیزخانی، معصومه نادرزاده‌مهربان، محمد پورحسرتی

موسسه انتشاراتی آرمان‌گرایان - www.zolalesabz.ir

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

چاپ: حقیقت

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۸۸-۵۱-۸

در این بخش ابتدا به بیان تعاریف برخی مفاهیم و اصطلاحات مورد نیاز این بحث می پردازیم و سپس وارد اصل مطلب می شویم.

برنامه ریزی: فرایندی است مداوم ، حساب شده و منطقی ، جهت دار و دور نگر به منظور ارشاد و

هدایت فعالیت های جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب. (یحیی فیوضات ، ۱۳۹۰)

برنامه درسی: به مجموعه ای از دروس یا برنامه ای برای مطالعه، فهرست رئوس مطالب، یک درس یا مجموعه ای از دروس، برنامه زمانی برای تدریس دروس، مجموعه ای از اهداف و مقاصد، مجموعه ای از تجارب یادگیری، شیوه تفکر و یا یک طرح اطلاق گردیده است (فتحی واجارگاه، ۱۳۷۷).

برنامه ریزی آموزشی: از نظر فیلیپ کومز، کارشناس برجسته ی یونسکو ، برنامه ریزی آموزشی " کاربرد تجزیه و تحلیل منطقی در آموزش و پرورش به منظور افزایش کار آیی. یعنی کار برنامه ریز آموزشی، تحلیل نظامدار و منطقی مسائل و مشکلات آنی و آتی آموزش و پرورش وتلاش به منظور حل این مشکلات است. " برنامه ریزی آموزشی را می توان "سازماندهی یا اصلاح فعالیت ها، تجهیز منابع و امکانات آموزشی برای تحقق بهتر اهداف آموزشی" تعریف نمود.

برنامه ریزی درسی: شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت های یاد دهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است.

برنامه ریزی درسی قلب نظام تعلیم و تربیت است و ابزاری در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش است. (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۸)

اصول برنامه ریزی درسی راهنمای عمل به حساب می آید و مبنای برنامه ریزی درسی جهت گیری های کلی را برای برنامه ریز مشخص می کند.

اصول برنامه ریزی:

اصل جامعیت:

وجود ارتباطات درون سازمانی ایجاب می کند که برنامه ریزان، از اثرپذیری اجزای مختلف درون سازمان ، تصویر روشنی در ذهن خویش داشته باشند و بتوانند آثار احتمالی و ناخواسته تصمیمات خود را در جاهای مختلف سازمان پیش بینی کنند و از وقوع آثار ناخواسته و نامطلوب تصمیمات خویش پیشگیری نمایند.

اصل مشارکت:

برنامه ریزی فرایندی است که مشارکت همگان را طلب می کند و همه کسانی که به نوعی در معرض نتایج برنامه ها قراردارند ، باید تا حدودی در این میان نقش داشته باشند.

۳. اصل تعهد:

به هنگام سپردن مسئولیت طراحی، تهیه و اجرای برنامه ها، باید از متعهد بودن اشخاص دست اندر کار مطمئن شد. آنان باید احساس کنند برنامه ای که تهیه و اجرا می کنند محصول اندیشه و عمل آنان است و آنان در موفقیت یا شکست برنامه ها دخیل و مؤثرند.

۴. اصل واقع بینی:

برنامه ریزان باید پیش از تهیه و اجرای برنامه ها نسبت به مطالعه و شناخت محیطی که قرار است برنامه ریزی در آن انجام گیرد، اقدام کنند تا بستر حرکت خود را به خوبی بشناسند و از واقعیات فاصله نگیرند.

۵. اصل استمرار در ارزشیابی:

ارزشیابی از فرایند نه منحصراً از محصول، بلکه انجام اصلاحات لازم درطول برنامه ریزی و اتخاذ تصمیم بر مبنای اطلاعات و داده های جدید است.

۶. اصل توجه به نوآوری ها:

برنامه ریزان باید با نوآوری ها، برنامه های خود را با تحولات جدید هماهنگ کنند. استفاده از نوآوری ها باید به بهبود کیفیت، جایگزینی روش های کهنه با روش های نوین، سهولت دسترسی به اطلاعات تازه،

تسریع در کارها و در نهایت به برآورده شدن انتظارات جدید مخاطبان بیانجامد.

۷. اصل ضرورت تجدید نظر مستمر در سیاست گذاری ها:

همان گونه که نیازها و انتظارات جامعه دائم دستخوش تغییر می شود، سیاست گذاری های آموزشی هم باید بر اساس قاعده و اصول، پذیرای تغییر باشد. یعنی با دور اندیشی و به طور مستمر مقتضیات گوناگون عصر شناخته شود و در هر برهه ای از زمان برای جوابگویی به انتظارات و مقتضیات زمان، به طور مستمر برنامه ریزی هایی انجام بگیرد.

معنای مبانی برنامه ریزی درسی

مبانی به معنای اصل و پایه و زیر بنای هر علمی است. در خصوص مبانی برنامه ریزی درسی می توان گفت: " مبانی برنامه ریزی درسی آن دسته از نیروهای بنیادی و اساسی است که بر برنامه های درسی، اهداف، محتوای آن اثر گذاشته و در ادبیات برنامه ریزی درسی از آن تحت عنوان عوامل

تعیین کننده برنامه درسی نام برده می شود. " (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۳) بنابراین بیان آنچه که مشخص کننده چارچوب های برنامه درسی است، در مبانی به آن اشاره می شود. بیان مبانی برنامه ریزی از ضروریات است تا با توجه به اصول حاکم بر جامعه نوع برنامه درسی مشخص شود.

۱- فلسفه (تفکرات و اندیشه های حاکم بر جامعه)

۲- جامعه (به سبب اینکه یادگیرندگان در آینده وارد جامعه می شوند)

۳- یادگیرندگان (افرادی که تعلیم و تربیت روی آنها انجام می پذیرد)

۴- موضوعات درسی که باید به یادگیرندگان آموزش داد، مبنای برنامه درسی را مشخص می کنند.

مبانی برنامه ریزی درسی

مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی

منظور مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی، آن دسته از عوامل و نیروهای فلسفی است که بر فرآیند تدوین اهداف برنامه درسی و تعیین وسایل و ملزومات آن اثر می گذارد. فلسفه مسلط اجتماعی در حقیقت جهت دهنده و تعیین کننده مقاصد اصلی تعلیم و تربیت بوده است. فلسفه تعلیم و تربیت و عقیده برنامه ریز به یکی از مکاتب فلسفی، به شدت جهت گیری برنامه های درسی را متفاوت می کند. گذشته از این، مبانی فلسفی نقش پالایشگر اهداف و مقاصد برنامه درسی را نیز به عهده دارد و آن دسته از اهداف و مقاصدی را که با فلسفه حاکم همخوانی داشته باشد، جایز و روا می شمرد و کمک شایان توجهی در انتخاب خط مشی ها، طراحی و اجرای برنامه های آموزشی می کند.

دیدگاه های فلسفی و برنامه درسی

الف) تعلیم و تربیت از دیدگاه ایدئالیسم (تصور گرایی):

انسان شناسی: مهم ترین ویژگی انسان، روح (عقل) اوست.

هدف آموزش و پرورش: کمک به رشد عقلانی و پرورش شخصیت

مواد درسی: محتوای آموزش باید شامل موادی باشد که برای تحقق رشد و تکامل عقلی و اخلاقی ضرورت دارند. مانند زبان و ادبیات، منطق و تاریخ.

ب) تعلیم و تربیت از دیدگاه رئالیسم (واقع گرایی):

واقع گرایی یا اصالت واقع، برای اشیاء یا پدیده های خارج از ذهن و فکر، واقعیت قائل است و وجود آن ها را مستقل از ذهن یا عقل انسان می داند. واقع گرایان عقیده دارند که شناخت یا معرفت ابتدا

از راه ادراک حسی حاصل می شود به همین سبب تربیت نیز باید بیش از فرایند حافظه بر ادراک حسی مبتنی باشد و به آن اعتماد کند.

واقع گراها دو دسته هستند: ۱- واقع گرایان تعقلی ۲- واقع گرایان علمی

نظر واقع گرایان در مورد انسان

واقع گرایان تعقلی: انسان را مرکب از جسم و روح می دانند. انسان از نیروی عقل برخوردار است و عقل از نیروهای روح است. آنچه انسان را انسان می کند، همان روح او است که بر فراز تمامی ویژگی های طبیعی، جسمی او قرار دارد.

واقع گرایان علمی: انسان را موجودی زیستی - اجتماعی می دانند. پیوسته در حال شدن و تحت تأثیر عوامل زیستی و اجتماعی، انسان دارای اراده آزاد نیست بلکه تابع طبیعت و اجتماع است.

نظر واقع گرایان در مورد جهان

واقع گرایان طبیعی یا علمی:

جهان را مستقل از ذهن و زیر سیطره قوانین طبیعی می دانند و می گویند وظیفه علم این است که به شناخت هستی طبیعی بپردازد. در تربیت نیز بیشتر به پرورش حواس و تشویق شاگردان به مشاهده و تجربه تمایل دارند. آن ها جریان تربیت را شکل دادن به رفتار انسان دانسته و با تلقی کردن انسان به عنوان موجودی زیستی - اجتماعی، او را برای سازگاری با محیط طبیعی و اجتماعی آماده می کنند.

واقع گرایان عقلانی یا قدیمی (کلاسیک یا سنتی):

آنها معتقد به دو بُعد جسم و روح در کل وجود انسان هستند چرا که معتقدند، کل هستی به طور طبیعی دارای چنین جنبه هایی است و باید برخورد ما با کل وجود انسان بدون توجه به دو جنبه او، یکسان باشد.

واقع گرایی عقلانی، غرض اصلی از تربیت راه سعادت انسان می پندارد و تحقق آن را در پرورش انسانی متعادل که دارای قوای جسمانی و روحانی هماهنگ باشد، امکان پذیر می داند. ارسطو بنیانگذار واقع گرایی است. از پیشگامان دیگر می توان به ابوعلی سینا، کومینوس و هربارت اشاره کرد.

کاربردهای تربیتی دو دیدگاه واقع گرایی (تعقلی و علمی)

۱- واقع گرایان تعقلی:

این گروه با توجه به نقشی که برای عقل در شناسایی و معرفت قائل اند، بیشتر بر ادراکات و استنباط هایی که انسان از محیط خود دارد توجه دارند. دریادگیری به هوشیاری و آگاهی اهمیت زیادی می دهند و هر پدیده ای بصورت یک کل درک می شود. (یادگیری قیاسی یا کل به جزء)